(بانکداری در اروپای مرکزی) لهستان پیشرفت با شتاب، تکیه بر خصوصی سازی

امینی، امیر هوشنگ

کشور السالوادور به خاطر برخورداری از رشد بالا،تورم‏ میانه،ثبات‏تر از پرداختها،دیون خارجی اندک،و از همه‏ مهم‏تر 4 سال صلح و آرامش در پی 12 سال جنگ داخلی، مکان بسیار مناسبی برای سرمایه‏گذاری به نظر می‏رسد. آلفردومنالاگوس،پرورش دهنده قهوه و سرپرست‏ خصوصی‏سازی،اواخر سال گذشته ازطرف آرماندو کالدرسون سول،رئیس جمهور این کشور،به این سمت‏ منصوب شد.وظیفه او عبارت است از:تشویق آزادسازی‏ و رقابت،کوچک کردن و تمرکززدایی دولت،خصوصی‏ سازی از جمله:هتلها،توزیع برق،فرودگاه سان سالوادور، و شرکت مخابرات دولتی انتل،که تمامی باید تا پایان سال‏ 1996 انجام شود.

در مورد دانتل باید گفت که دابوب،رئیس این شرکت، از فرایند خصوصی‏سازی حمایت می‏کند.این شرکت به‏ دو قسمت تقسیم خواهد شد که هر کدام به فروش‏ می سد:45 درصد در مزایده خارجی،و 5 تا 8 درصد به‏ کارکنان واگذار خواهد شد.مابقی سهام در اختیار یک‏ صندوق خصوصی قرار خواهد گرفت تا بعدا در بازار داخلی‏ یا خارجی عرضه شود.همین سرنوشت در انتظار 4 شرکت‏ توزیع برق منطقه‏ای خواهد بود.بانکهای خارجی تلاش‏ می‏کنند تا در این مورد گوی سبقت را از یکدیگر بربایند.آقای لاگوس نیز گذشته از اینکه اطمینان‏ می‏دهد که چارچوب قانونی محکمی وجود دارد،بر عدم‏ نقش دولت تاکید می‏کند.

ولی آیا این نوع فروشها کمی غیرعادی نیست؟شرکت‏ انتل سود خوبی به دست می‏آورد،پس به چه دلیل مقداری‏ از سهام آن در اختیار دولت باقی نمی‏ماند؟آقای دابوب‏ در پاسخ می‏گوید اگر چنین باشد،در واقع سرمایه‏گذاران‏ با خطر سیاسی روبرو خواهند شد.وی می‏خواهد که جذابیت‏ شرکت را به حداکثر برساند،و سرمایه‏گذاریهای سنگین‏ از ضمانت بالایی برخوردار باشد.امروزه، السالوادور 000،300 خط تلفن دارد که حتی هم‏اکنون نیز به‏ یک میلیون خط دیگر برای رفع نیاز خود احتیاج دارد.هزینه‏ این کار برابر است با 10 ماه از بودجه ملی کشور.در نظر آقای‏ لاگوس دولت تنها مسئول عدالت،امنیت عمومی،و دفاع‏ است.

نظام پرهزینه مستمری دولتی،قرار است همچون شیلی‏ با صندوقهای خصوصی جایگزین شود.وظیفه وزارت‏ "فعالیتهای عمومی‏"تنها به نظارت بر پیمانکاران‏ خصوصی محدود خواهد شد.اداره فرودگاه نیز برای مدت‏ 10 تا 15 سال در اختیار بخش خصوصی خواهد بود.مشاغل‏ دولتی،که در پایان سال گذشته تا 15000 شغل کاهش‏ یافته بود،باز هم ادامه می‏یابد.آیا انجام تمام این‏ کارها در طول یک سال امکانپذیر است؟.دست‏اندکاران‏ خصوصی‏سازی حتی در کابینه از این موضوع گله‏مندند در این میان،رای‏دهندگان در انتخاب میان دوره‏ای‏ مارس 1997 حرف خود را خواهند گفت.

اروگوئه

جولیو ماریا سانجینتی،رئیس جمهوری اروگوئه،از صنعت‏ "ملایم‏"برای رهیافت اصلاحات اقتصادی استفاده‏ می‏کند.دولت وی مخالف اجرای برنامه‏های شدیدی است‏ که موجب شکوفایی همسایگان بزرگ او در سالهای‏ اخیر شده سات.درعوض،جولیو به آرامی از نیاز برای‏ نوینسازی و کاراتر شدن صحبت می‏کند.ولی آیا ملایمت‏ کافی خواهد بود؟

اروگوئه،در طول 4 سال،نقش خود را به عنوان جزیره‏ ثبات و امنیت در منطقه‏ای آشوبزده ایفا کرده‏ است.بیشتر اروگوئه‏ایها دلیلی مهمی برای تغییر نمی‏بینند. و این به خاطر آنست که زندگی در این کشور بسیار خوب‏ است.این کشور با داشتن آب و هوای مطبوع در تمام ایام‏ سال،مناطق سرسبز و فرح‏بخش،سواحل دیدنی،و مناظر روستایی دل‏انگیز،یکی از مناسبترین و روح‏بخش‏ترین‏ کشورهای آمریکای لاتین به شمار می‏آید.اروگوئه‏ از آغاز این قرن،بودجه چشمگیری برای آموزش‏ و پرورش،بهداشت و رفاه عمومی هزینه کرده که به منافع‏ آن نیز دست یافته است.اروگوئه،بهترین و سالم‏ترین‏ دانش آموزان،و بیشترین جمعیت طبقه متوسط را در میان‏ کشورهای آمریکای لاتین دارد.

بعلاوه،این کشور با بحران اقتصادیی که همسایگانش‏ را به زانو درآورده روبرو نشده است.تورم سالانه آن‏ حدود 40 درصد است که بیشترین میزان تورم در منطقه به‏ شمار می‏آید،ولی هرگز دچار تورم لگام گسیخته نبوده‏ است.کاهش ارزش پزو،با افزایش قیمتها،تدریجی بوده‏ ولی هیچگاه بحران انگیزه نبوده است.در این میان نرخ‏ رشد نیز از سال 1990 تا 1994 به طور پیوسته 4 درصد بود.

گذشته از اینها،تورم 130 درصدی سال 1990 به‏ 37 درصد در سال گذشته رسیده و رسما پیشینی می‏شود که‏ امسال به 20 درصد کاهش یابد.دیون خالص خارجی،که‏ در سال 1985 برابر با 45 درصد تولید ناخالص داخلی بود، تا سال 1990 به 23 درصد کاهش یافت و تاکنون باز هم‏ نصف شده است.کسری حساب جاری نیز به 2 درصد تولید ناخالص داخلی بالغ می‏شود.آقای سانجینتی‏ به اقداماتی اشاره می‏کند که برای کاهش مدیریت بخش‏ عمومی و افزایش رقابت در برخی بازارها،که زمانی‏ در انحصار دولت بوده‏اند،اشاره می‏کند.وی حامی‏ سرسخت همبستگی تجاری میان آرژانتین،برزیل، پاراگوئه و اروگوئه است.سانجینتی می‏گوید"ما سرگرم‏ انجام تغییراتی هستیم تا خود را برای عصر رقابتهای بزرگتر، اقتصاد بازتر،و فرآیند یکپارچگی منطقه‏ای آماده کنیم، زیرا بدون این کارها،زندگی در کنار همسایگانمان‏ امکانپذیر نخواهد بود."

انتقادگران در این مورد می‏گویند:درست است ولی انجام‏ اصلاحات به طور آهسته کافی نیست‏".هزینه دولت به‏ 30 درصد از تولید ناخالص داخلی می‏رسد.در این میان، بازرگانان از تشریفات شدید دارای گله‏مندند.سایرین‏ از هزینه بالا و کیفیت پایین تولیدات انحصاری دولتی‏ مانند نفت،برق و مخابرات خرده می‏گیرند.مسیر آسان‏ خصوصی‏سازی نیز به خاطر رفراندوم سال 1992 مسدود شد.در این رفراندوم با فروش شرکت ملی تلفن به‏ طور محدود موافقت شد.

درحالی که سایر کشورها سرگرم کوچک کردن دولت، بازسازی و آزادسازی اقتصادشان هستند.به نظر می‏رسد که‏ اقدامات اروگوئه از جذابیت و پایداری کمتری‏ برخوردار است.رئیس پیشین بانک مرکزی از تورم کارکنان خدمات شهری،که تقریبا غیرقابل اخراج نیز هستند، شکایت دارد و می‏گوید"عدم کارایی،و همینطور مالیاتهایی که برای حمایت از آن دریافت می‏شود، بسیار خطرناک است."وی بر این باور است که اگر امروز آهسته حرکت کنید.فردا متوقف خواهید شد.

اکوادور

در اواخر سال 1995،کمبود و قطع برق در اکوادور به قدری‏ شدید شد که در طول 30 سال گذشته سابق نداشت.به‏ همین خاطر،مردم دست به دامن سان پدرو(فرشته باران) شدند تا باران نیروگاههای آبی را دوباره به حرکت‏ درآورد.اکودوریها اعتماد چندانی به صنعت برق دولتی‏ و یا قراردادهای اضطراری آن با نیروگاههای خصوصی‏ نداند.در این میان،دولت از فرصت استفاده کرد و لایحه‏ خصوصی را به کنگره ارائه داد.در نتیجه،اختلاف بین‏ قانونگذاران،مدیران و کارگران نیروگاهها باعث‏ ایجاد بحران در نظام سیاسی این کشور شد.

اکوادور پس از سالها کمبود سرمایه‏گذاری و تنشهای‏ سیاسی،60 درصد از نیروی برق خود را به طرح بزرگ‏ هیدرو الکتریک متکی است که درحال حاضر دچار خشکسالی شده است.سایر نیروگاههای آبی نیز احتمالا در خطر توقف قرار دارند.در عوض،این کشور دست به‏ ساخت نیروگاههای حرارتی‏زده است،که با سیستم دیزلی‏ کار می‏کند.با این حال،این کشور تولیدکننده نفت‏ مجبور است سوخت این نیروگاهها را وارد کند.بعلاوه، نیروگاههای مذبور،به خاطر عدم نگهداری و مراقبت، غالبا کمتر از ظرفیت کار می‏کنند.

تنها رادیکال‏ترین کارگران نیروگاهها مخالف‏ سرمایه‏گذاری خصوصی هستند.این مسئله حتی‏ در انتخابات ریاست جمهوری و کنگره نیز اثر گذاشته بود. کارگران،پس از ماهها کشمکش و درحالی که نگران‏ بیکار شدن خود بودند،در خارج از کنگره به عنوان اعتراضی‏ تجمع کردند.در فوریه گذشته،جناح اکثریت چپ لایحه‏ای‏ جدیدی را در همین مورد به تصویب رساند.در هفته دوم‏ مارس،سیکستو دیوران بالن،رئیس جمهور اکوادور آن‏ را رد کرد.هم‏اینک،کارگران نیروگاه تهدید به توقف‏ مراحل مراقبت و نگهداری کرده‏اند تا کنگره را وادار کنند که‏ وتوی رئیس جمهور را ندیده بگیرند.

رئیس جمهوریه دو دلیل پیشگفته را رد کرد:نخست‏ اینکه کنگره برای هر کارگری که اخراج می‏شود خسارت‏ سخاوتمندانه‏ای تعیین کرده بود.و دیگر اینکه تا 3 سال‏ کسی حق اخراج کارگران را پس از فروش کارخانه‏ نداشت.تا آن زمان،سرمایه‏گذاران می‏توانند سرمایه‏ جدید را تامین کنند یا به طرحهای‏"ساخت راه‏اندازی- و انتقال‏"برق ملحق شوند.حتی پس از 3 سال، تنها 39 درصد از سهام به سرمایه‏گذاران و 10 درصد به‏ کارگران واگذار می‏شود.با این ترتیب سرمایه‏گذاران‏ با شرکت‏کنندگان در مناقصه ناراضی می‏شوند. سیاستگذاری دولت و وضع قوانین به طور پی‏درپی،به‏ خاطر تنش میان کنگره و وزرای دولتی،مختل شده است.

آیا می‏توان کاری کرد؟در نوامبر گذشته،اصلاح قانونت‏ اساسی برای تقویت مدیران اجرایی در برابر کنگره، و ممنوعیت اعتصابها در بخشهای خدماتی مهم به‏ نظرخواهی ملی گذاشته شد و شکست خورد.این رای‏ نمایانگر نفرت از دولت فاسد و ترس از رای‏دهندگان بخش‏ عمومی بود.

اکوادوریها با شمع روشن به درگان سان پدرو دعا کنند.

پارگوئه

برای اینکه به نحوه پیشرفت برنامه خصوصی‏سازی‏ پارگوئه پی ببرند،سعی کنید از پایتخت این کشور یک‏ مکالمه تلفنی بین المللی داشته باشید.اگر- بعد از دهها بار تلاش-موفق به گرفتن شماره موردنظرتان‏ شدید،صدایی توام با پارازیت در تلفن خواهد گفت که‏ جنگ اتمی آغاز شده است.و همانطور که صورتحساب‏ را می‏پردازید،ممکن است بگوئید که ای کاش واقعا جنگ‏ آغاز شده بود.

دلیل این نابسامانی اینست که انتلکو(شرکت مخابرات‏ پارگوئه)موفق به سرمایه‏گذاری نشده زیرا که‏ در اختیار دولت بوده است.پس آنکه ژان کارلوس‏ واسموسی،درمه 1993 به ریاست جمهوری رسید،شرکت‏ مخابرات جزو نخستین واحدهای دولتی بود که می‏بایست‏ خصوصی می‏شد.سه سال بعد،تنها شرکت ملی‏ هواپیمایی لاپسا که ورشکسته شده بود،با 30 میلیون‏ دلار بدهی بهیک کنسرسیوم اکودوری فروخته‏ شد.انتلکوو سایر شرکتها به این زودیها شانس فروش‏ ندارند،بلکه موضوع دمکراسی مطرح می‏باشد.

واسموسی نخستین رئیس جمهور پارگوئه در طول 50 سال گذشته می‏باشد که با دمکراسی کامل انتخاب شده‏ است.ولی متاسفانه،اعضای کنگره کشور،که در سال‏ 1989(یعنی پس از 34 سال)از دیکتاتوری ژنرال‏ آلفردو استروسز رها شده بودند،هنوز به خاطر برخورداری‏ از قدرت مخالفت با رئیس دولت لذت می‏برند.در این‏ میان،حزب محافظه کار کلرادوی رئیس جمهور نیز در کنگره‏ از اکثریت برخوردار نیست.

البته تمام اینها لزوما به او کمک نمی‏کنند.مهم‏ترین‏ مانع خصوصی‏سازی از جانب احزاب اپوزیسیون نیست، بلکه از طرف لوئیس ماریا آرجانا،رهبر حزب کوچک‏ استروسنریست کلرادو است.خط مشی‏های وی، مانند ژنرال استروسنر،مردم پسند و سیاستمدارانه‏ است.در گزارشی که توسط مسئولان خصوصی‏سازی‏ و اسموسی ارایه شده،آمده است که یکصد هزار نفر از مشاغل دولتی باید حذف شوند.این موضوع برای آقای‏ آرجانا به مفهوم یکصد هزار رای بالقوه خواهد بود.به همین‏ خاطر،او به طور علنی با این نظریه مخالفت کرده ست.

این مسئله اسباب زحمت است.انجام برنامه‏ خصوصی‏سازی پاراگوئه باعث می‏شود تا این‏ کشور از خدمات مخابراتی بهتر برخوردار شود،و دولت نیز 2/1 میلیارد دلار نصیبش شود.گذشته از اینها،آقای واسموسی‏ بلندپروازیهای چشمگیرتری نیز دارد.از دهه 1950، بازرگانان از نبود تعرفه‏های وارداتی کشور برای‏ ورود کالاهای لوکس و فروش آنها به قاچاقچیان برزیلی آن‏ طرف مرز استفاده کرده‏اند.اقتصاد نومیدکننده پاراگوئه که به‏ تعدادی شرکتهای خصوصی بسته متکی بوده،به‏ طور مکرر عملکرد خود را به نحو چشمگیری بهبود بخشیده‏ است.

هم‏اینک،اتحادیه گمرکی 4 کشور و تعرفه‏های مشترک‏ خارجی آن،این دنیای کوچک دوستانه را تهدید می‏کند، و واسموسی احساس می‏کند که زمان منظم کردن‏ اقتصاد پاراگوئه و تغییر پایه‏های آن فرا رسیده است.

خصوصی‏سازی انگیزه‏ای برای ایجاد بازار سرمایه، و همچنین سوق دادن سرمایه‏های محلی بلااستفاده به‏ سوی فعالیتهای صنعتی است.ولی،مادام که کنگره دارای‏ منافع سیاسی باشد،برنامه‏های آقای واسموسی بی‏نتیجه‏ می‏ماند.